

حسن تعابیر ناپسند

سجاد موسوی *

کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کردستان، ایران

ابراهیم بدخشان **

استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کردستان، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۱۰، تاریخ تصویب: ۹۲/۶/۱۷)

چکیده

در این مقاله با بررسی شواهد مختلفی از زبان‌های فارسی و انگلیسی، نشان داده خواهد شد که حسن تعابیر، به لحاظ کاربردشناختی، دو گونه جدا از یکدیگرند: حسن تعابیر نوع اول (حسن تعابیر رایج) برای نشان دادن نزاکت اجتماعی و جلوگیری از خدشه‌دار شدن احساسات افراد جامعه درباره موضوعات مختلف؛ مانند مسائل جنسی، مرگ، تولد، اعضای بدن، ناتوانی‌های جسمی، بیماری‌های روانی، هوش و ناسزاها به کار می‌روند. از طرف دیگر، کاربران زبان به وسیله جایگزین کردن عبارات و واژه‌های حسن تعبیری نوع اول به جای عبارات و واژه‌های ناخوشایند، سعی در حفظ وجهه اجتماعی خود و مخاطبان دارند. اما نوع دوم حسن تعابیر (حسن تعابیر ناپسند)، ترفندی است برای پنهان کردن رسوایی‌های سیاسی و اقتصادی، پوشاندن حقیقت، و فریب و کنترل افکار عمومی به هنگام صحبت درباره موضوعات و رویدادهای اجتماعی. در واقع، در این نقطه است که گویندگان و نویسندگان از حسن تعبیر، نه در جهت پرهیز از کاربرد واژه‌های آزار دهنده، بلکه برای فریب افکار عمومی استفاده می‌کنند و این همان جایی است که ما را وارد گستره حسن تعابیر «غیرصادقانه» می‌کند.

واژه‌های کلیدی: حسن تعبیر رایج، حسن تعبیر ناپسند، فریب‌واژه، زبان، وجهه.

* تلفن: ۰۸۷۱-۶۶۲۴۰۰۵، دورنگار: ۰۸۷۱-۶۶۶۰۰۷۷، E-mail: sadjad.mousavi@yahoo.com

** تلفن: ۰۸۷۱-۶۶۲۴۰۰۵، دورنگار: ۰۸۷۱-۶۶۶۰۰۷۷، E-mail: ebadakhsan@uok.ac.ir

مقدمه

در جوامع مختلف، بعضی از رفتارهای کلامی و غیرکلامی ممنوع و محدود شده و یا تابو^۱ محسوب می‌شوند. مردم، به عنوان موجوداتی اجتماعی، تمایل دارند که از کاربرد بعضی واژه‌ها و عبارات که ناخوشایند و آزاردهنده‌اند، پرهیز کنند. بنابراین، برای ایجاد روابط کلامی هنجار در جامعه، کاربران زبان به جای این واژه‌های ناخوشایند از حسن تعبیر^۲ استفاده می‌کنند. حسن تعبیر ابزارهای زبانی قدرتمندی‌اند که به طور گسترده‌ای در زبان‌های مختلف وجود دارند؛ به طوری که تعداد کمی از کاربران زبان، حتی افرادی که به رک‌گویی خود افتخار می‌کنند، روزی را بدون استفاده از حسن تعبیر سپری می‌کنند (راوسن، ۱۹۸۱، ۱).

زبان‌شناسان تعاریف مختلفی از حسن تعبیر ارائه کرده‌اند؛ فان حسن تعبیر را عبارات غیرمستقیم، مبهم و خوشایندی می‌داند که جایگزین واژه‌ها و عبارات صریح و ناخوشایند می‌شوند (فان، ۲۰۰۶، ۷۱). هولدر نیز حسن تعبیر را کاربرد عبارت ملایم و مبهم می‌داند که جایگزین واژه رک، دقیق و ناخوشایند می‌شود (هولدر، ۱۹۹۴، ۶). همچنین، آلن و بریج معتقدند که «حسن تعبیر برای جلوگیری از تهدید وجهه^۳ اجتماعی و در واقع، از دست دادن وجهه اجتماعی گوینده، مخاطب و شخص ثالث، به عنوان جایگزین برای یک عبارت ناخوشایند به کار می‌رود» (آلن و بریج، ۱۹۹۱، ۱۶). از طرف دیگر، حسن تعبیر به خاطر تسهیل کنشگری‌های کلامی مورد استفاده قرار می‌گیرند و به کاربران اجازه می‌دهند که خود را از رویدادهای منفی و موضوعات ناخوشایند اجتماعی دور نگه دارند. این مورد باعث از بین رفتن تهدیدات پیش‌روی وجهه اجتماعی به هنگام گفت‌وگو میان کاربران زبان می‌شود. بنابراین، حسن تعبیر، به عنوان ابزاری زبانی، موجب حفظ روابط بین‌فردی در کنش‌های اجتماعی می‌شود.^۴

مقالات و کتاب‌های فراوانی درباره حسن تعبیر، به خصوص حسن تعبیر رایج، نوشته شده است. آلن و بریج (۱۹۹۱، ۲۰۰۶) در کتاب خود به بررسی انواع شیوه‌های ساخت حسن

1- Taboo

2- Euphemisms

3- Face

۴- برای مطالعه بیشتر درباره تعاریف مختلف زبانشناختی و فرازبان‌شناختی حسن تعبیر، نگاه کنید به (کاساس

تعابیر پرداخته‌اند. آن‌ها ابزارهای زبانی‌ای مانند، استعاره، مجاز، اطناب و حذف^۱ را از پرکاربردترین ابزارهایی می‌دانند که در ساخت حسن تعابیر در زبان انگلیسی به کار می‌روند. از طرف دیگر، وارن (۱۹۹۲) با بررسی فرهنگ‌های لغت حسن تعبیری، مدلی را برای ساخت حسن تعابیر در زبان انگلیسی ارائه کرده است. همچنین، لینفوت-هام (۲۰۰۵) با توجه به مدل وارن، به بررسی در زمانی^۲ حسن تعابیر در چند رمان معروف پرداخته است. حداد (۲۰۰۹) نیز در مقاله خود به تحلیل حسن تعابیر مربوط به مسئله «مرگ» می‌پردازد و برای این پژوهش، آگهی‌های ترحیم در زبان انگلیسی را با زبان عربی مقایسه می‌کند.

در گستره زبان‌شناسی شناختی نیز حسن تعبیر، در ده سال اخیر، مورد توجه قرار گرفته است. زبان‌شناسانی از قبیل دومینگوز (۲۰۰۵)، کرسپو فرناندز (۲۰۰۶)، ردن و کوچش (۲۰۰۷) و گرادچاک-اردلیچ و میلیچ (۲۰۱۱) به بررسی حسن تعابیر استعاری و مجازی در چارچوب زبان‌شناسی شناختی پرداخته‌اند. در گستره جامعه‌شناسی زبان به ویژه، رابطه و جهت اجتماعی و حسن تعبیر، کانسو-یتکینر (۲۰۰۶) و مکگلون و بچلر (۲۰۰۳) به نقش حسن تعبیر در کاهش به خطر افتادن وجهه اجتماعی گوینده و مخاطب توجه ویژه‌ای نشان داده‌اند.

در سال‌های اخیر، در زبان فارسی نیز حسن تعبیر توجه پژوهشگران ایرانی را به خود جلب کرده است. میرزاسوزنی (۱۳۸۵) به کاربرد حسن تعبیر در ترجمه متون پرداخته است. بیاتی (۱۳۸۹) ساختار زبانی حسن تعابیر را مورد بررسی قرار داده است. ایزانلو و غلامی (۲۰۱۲) به بررسی حسن تعابیر مربوط به مسئله مرگ پرداخته‌اند و بدخشان و موسوی (۱۳۹۲) نیز سازوکارهای زبانی و شناختی حسن تعابیر را مورد توجه قرار داده‌اند.

تلاش مقاله حاضر بر آن است که با توجه به نمونه‌های ارائه شده از زبان‌های فارسی و انگلیسی، به بررسی و تشریح کارکردهای اجتماعی و سازوکارهای حسن تعابیر، به خصوص حسن تعابیر نوع دوم که تحت عنوان حسن تعابیر ناپسند در این پژوهش مطرح شده است، بپردازد و همچنین تفاوت‌های آن را با حسن تعابیر نوع اول (حسن تعابیر رایج)، مورد بررسی قرار دهد. با توجه به این موارد، مطالعه در این زمینه، می‌تواند شناخت بهتری نسبت به این نوع از حسن تعابیر ایجاد کند.

بررسی حسن تعابیر در این مقاله در چارچوب رویکرد واژگانی صورت گرفته است.

1- Omission

2- Diachronic

بدین معنا که مطالعه حسن تعبیر به سطح اقلام واژگانی محدود شده است. پژوهش حاضر، پژوهشی توصیفی-تحلیلی به شمار می‌رود. هم‌چنین داده‌های مورد مطالعه از اخبار رسانه‌های مختلف و منابع الکترونیکی و کتابخانه‌ای در گستره‌های مختلفی مانند مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی گردآوری شده است.

بحث و بررسی

حسن تعبیری که در این مقاله تحت عنوان حسن تعبیر رایج از آن‌ها نام برده خواهد شد، برای رعایت ادب، حفظ خود-انگاره^۱ اجتماعی کاربران زبان و لطمه نزدن به احساسات افراد جامعه به هنگام صحبت درباره موضوعات مختلفی مانند مسائل جنسی، مرگ، تولد، اعضای بدن، ناتوانی‌های جسمی، بیماری‌های روانی، هوش و ناسزها به کار می‌روند. برای مثال، در زبان انگلیسی برای اشاره به مسئله ناخوشایند مرگ از حسن تعبیر مختلفی استفاده می‌شود: gone to enduring sleep (به خواب ابدی رفتن)، gone to his last sleep (به خواب آخر رفتن). این حسن تعبیر، باعث کاهش دادن درد و رنج ناشی از مسئله مرگ برای بازماندگان می‌شوند و تسکین خاطر آن‌ها را فراهم می‌سازند.

در مسائل مربوط به تولد کودکان نیز، به طور معمول برای حفظ متانت در گفتار، از به کار بردن واژه‌های صریح خودداری می‌شود؛ برای مثال: به جای واژه (حاملگی) pregnancy از واژه be expecting (چشم به راه) و یا be a mother-to-be (مادر شدن) استفاده می‌شود. هم‌چنین، درباره مشخصات فیزیکی اشخاص از واژه‌های plain-looking (ugly) (ساده زشت)، weight-watcher (the fat) (سنگین وزن چاق) و sleepy (lazy) (خواب‌آلود (تنبل)) که به ظاهر افراد مرتبطاند، استفاده می‌شود.

در زبان فارسی نیز حسن تعبیر مختلفی جایگزین واژه‌های ناخوشایند می‌شوند. حسن تعبیر در زبان فارسی در زمینه‌های مختلفی، به خصوص در حوزه مسائل مربوط به مرگ و خاکسپاری به کار می‌روند: مانند استعاره «مرگ خواب است»:

(الف) پدر بزرگ زیر خروارها خاک خوابیده است (فرهنگ سخن ۵۲۱۲).

(ب) اشخاصی ... این جا در زیر خاک غنوده‌اند (فرهنگ سخن ۲۸۴۷).

(ج) آن‌ها به خواب ابدی فرو رفتند (فرهنگ سخن ۲۸۴۰).

در این استعاره حسن تعبیری، مسئله ناخوشایند «مرگ» به «خواب» تشبیه شده است. در این جاست که استعاره خواب باعث برجسته شدن جنبه‌های خوشایند یعنی آرامش و آسایش می‌شود. زیرا یکی از ویژگی‌های مهم خواب «آرامش یافتن» است که از جنبه‌های مثبت خواب محسوب می‌شود. در واقع، در این فرایند استعاری، جنبه آرام‌بخشی، آسایش و در واقع آسودگی برجسته می‌گردد و بر سایر جنبه‌های آزاردهنده مسئله مرگ، مانند فقدان شخص از دست رفته و غم و اندوه ناشی از آن، تمرکز کمتری ایجاد می‌شود. بنابراین، برجسته‌سازی جنبه‌های مثبت و پنهان‌سازی جنبه‌های منفی در این استعاره، موجب ایجاد جملات استعاری می‌گردد که دارای معنای حسن تعبیریند.

از دیگر شیوه‌های مهم ساخت حسن تعابیر در زبان‌های مختلف، استفاده از فرایند مجاز است. یکی از پر بسامدترین کاربردهای حسن تعابیر مجازی در زبان فارسی، واژه‌هایی‌اند است که برای اشاره به قسمت‌های مختلف اندام زنان و مردان به کار می‌رود. برای مثال، در جمله زیر، واژه حسن تعبیری سینه به جای واژه پستان به کار رفته است:

(۲) سرطان داشت. یکی از سینه‌هایش را در آوردند (فرهنگ سخن ۴۳۸۳).

اطناب^۱ نیز، یکی دیگر از مهم‌ترین سازوکارهای ساخت حسن تعابیر رایج در زبان‌های مختلف، از جمله زبان فارسی است، مانند:

(۳) الف) از ما بهتران (اجنه)

ب) حرکات موزون (رقص)

پ) آب دهان (تف)

ج) باد گلو (آروغ)

در مثال‌های بالا، درباره حواشی موضوع ناخوشایند گفتگو و واژه اصلی ناخوشایند، از طریق ویژگی‌های آن توصیف می‌شود. بنابراین، اطناب حسن تعبیری، در تقابل با اسم‌گذاری قرار دارد، زیرا اسم اصلی دارای بار معنایی منفی است. برای مثال، «از ما بهتران» (کسانی که از ما بهترند) برای اشاره به «اجنه» در بین افراد جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ زیرا، بیان دقیق واژه اصلی آن، یعنی جن، باعث نوعی ترس می‌شود. با گذشت زمان، اطناب‌ها تبدیل به حسن تعابیر تثبیت شده‌ای برای واژه‌ها و مفاهیم ناخوشایند می‌شوند، مانند «از ما بهتران» که تبدیل به

حسن تعبیر شده است.

در شیوه‌ای دیگر، با استفاده از ردّ خُلف^۱ که پرکاربردترین ابزار ساخت حسن تعبیر در زبان فارسی است، به واژه ناخوشایند و آزاردهنده از طریق منفی‌سازی متضاد آن واژه اشاره می‌شود. این شیوه، دارای بار معنایی مثبت است. در این سازوکار، واژه، آنچه را که هست (معنای منفی)، به مخاطب نمی‌گوید، بلکه آن چیزی را که نیست (معنای مثبت)، ارائه می‌کند. این فرایند، باعث کاهش بار معنایی منفی واژه‌های ناخوشایند می‌شود. در واقع، می‌توان با استفاده از این شیوه، واژه‌های ناخوشایند را با سهولت بیشتری در تعاملات کلامی به کار برد. برای مثال، به جای واژه‌های ناخوشایند «کور» و «کر»، از فرایند ردّ خُلف استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که از طریق پیشوند منفی‌ساز «نا» به علاوه متضاد واژه‌های ناخوشایند یعنی «بینا» و «شنوا»، حسن تعبیر «نابینا» و «ناشنوا» ایجاد می‌شوند.

برای ساخت حسن تعبیر نوع اول (حسن تعبیر رایج)، شیوه‌های دیگری نیز، مانند ساخت‌های صوری (ابزارهای ساختواژی، تغییر واجی و واژه‌های فرضی) و ساخت‌های معنایی دیگری مانند تخصیص معنایی، گسترش معنایی، مبالغه و کم‌گفت نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند. اما در ادامه، با توجه به موضوع و محدودیت در تعداد صفحات مقاله، از بررسی سایر سازوکارهای ساخت این نوع از حسن تعبیر (حسن تعبیر رایج) صرف نظر می‌کنیم و به بررسی جنبه‌های مختلف حسن تعبیر نوع دوم خواهیم پرداخت.^۲

بنابراین، با توجه به مباحث مطرح شده در این بخش، در نگاه رایجی که نسبت به حسن تعبیر وجود دارد، آن‌ها را جایگزین‌هایی برای واژه‌های ناخوشایند درباره موضوعاتی مانند مسائل جنسی، مرگ، تولد، اعضای بدن، ناتوانی‌های جسمی، بیماری‌های روانی، هوش و ناسازها می‌داند که برای رعایت ادب، حفظ خود-انگاره اجتماعی کاربران زبان، لطمه زدن به احساسات افراد جامعه و حفظ روابط بین‌فردی در تعاملات اجتماعی به کار می‌روند.

در ادامه به بحث و بررسی جنبه‌های مختلف حسن تعبیر نوع دوم و همچنین تفاوت‌های آن با حسن تعبیر رایج با توجه به داده‌هایی از زبان‌های انگلیسی و فارسی، خواهیم پرداخت.

1- Litotes

۲- برای بررسی مثال‌های این‌گونه حسن تعبیر (حسن تعبیر رایج) در زبان‌های مختلف، رجوع کنید به (القاضی، ۲۰۰۹؛ حداد، ۲۰۰۹؛ کانسو- یتکینر، ۲۰۰۶؛ بدخشان و موسوی، ۱۳۹۲)

اما برای نیل به این هدف، در ابتدا بررسی اصطلاح فریب‌واژه^۱ ضروری می‌نماید. زیرا فریب‌واژه در قالب مقولات مختلفی عرضه می‌شود که یکی از مهم‌ترین مقولات آن حسن تعبیر است.

فریب‌واژگان

ترکیب Doublespeak که در اوایل دهه ۵۰ ساخته شده است، به نظر می‌رسد که از دو ترکیب New speak و Double think (اعتقاد به دو چیز متضاد در آن واحد) که در رمان ۱۹۸۴ اورول آمده است، مشتق شده باشد. واژه Doublespeak در این رمان وجود ندارد و می‌نماید که به اشتباه ساخت این اسم مرکب به اورول منتسب شده است (لاتز، ۱۹۸۸، ۲۶). «فریب‌واژگان» واژه‌هایی‌اند که در واقع وانمود به ایجاد ارتباط می‌کنند، اما ارتباطی را ایجاد نمی‌کنند. این واژه‌ها مفاهیم و رویدادهای بد را خوب جلوه می‌دهند و جنبه‌های منفی را مثبت نشان می‌دهند و ناخوشایندها را خوشایند بازنمایی می‌کنند. این نوع کلمات، تفکر را می‌پوشانند و یا از آن جلوگیری می‌کنند و نه تنها تفکر را بسط نمی‌دهند، بلکه آن را محدود می‌کنند (لاتز، ۱۹۸۸، ۲۶). فریب‌واژه، خشونت‌های وحشیانه را قابل تحمل می‌سازد و یا انسانی و متمدنانه جلوه می‌دهد (کاتامبا، ۲۰۰۵، ۱۳۰). این واژه‌ها، موارد نامعقول و ناعادلانه را معقول و عادلانه و مجرمان را بی‌گناه نشان می‌دهند (کاتامبا، ۲۰۰۵، ۱۳۰). چامسکی نیز درباره کارکرد فریب‌واژگان می‌گوید:

برای درک گفتمان سیاسی، همواره لازم است که گفتارهای سیاسی، به زبانی صریح و روشن برگردانده شوند و فریب‌واژگان رسانه‌ها، دانشمندان علوم اجتماعی و کشیشان سکولار، کاملاً رمزگشایی شوند، کارکرد فریب‌واژگان مبهم نیست: فریب‌واژه باعث می‌شود که نتوان درباره مسائل مهم انسانی به شیوه‌ای منسجم سخن گفت. کاربرد فریب‌واژگان در گفتمان‌های سیاسی، باعث می‌شود که، مخاطبان ندانند که در جامعه چه کارهایی صورت می‌گیرد و چه اتفاقاتی در جهان در حال رخ دادن است (چامسکی، ۱۹۹۲، ۹۰).

با توجه به این موارد، مشخصات فریب‌واژگان عبارتند از:

۱- doublespeak: از آنجا که ترجمه تحت‌اللفظی این ترکیب (دوگانه‌گویی، دوپهلوگویی، دوگویی) نمی‌تواند معنای اصلی آن را منتقل کند، معادل «فریب‌واژه» برای آن انتخاب شده است. زیرا، این معادل به‌کارکرد این ترکیب در زبان انگلیسی نزدیک‌تر است. حماد معتقد است که اصطلاح Doublespeak ترکیبی حسن تعبیری برای واژه «فریب» است (حماد ۳).

- گمراه کردن
 - تحریف واقعیت
 - تظاهر به ایجاد ارتباط
 - بد را خوب جلوه دادن
 - جلوگیری از مسئولیت و یا تغییر آن
 - نقشه کلامی غلطی از جهان ترسیم کردن
 - ایجاد محدودیت شدید، پنهان‌کاری، فساد و جلوگیری از تفکر
- فریب‌واژگان به چهار نوع تقسیم می‌شوند: حسن تعابیر، اصطلاحات صنفی^۱، سخنان پرطمطراق یا دیوان‌سالارانه^۲ و زبان مبالغه‌آمیز^۳ (لاتز، ۱۹۸۸، ۲۶). در ادامه این پژوهش و با توجه به موضوع مقاله، تنها به بررسی رابطه حسن تعابیر و فریب‌واژگان خواهیم پرداخت.

حسن تعابیر به مثابه فریب‌واژه

همان‌طور که در بخش قبل مطرح شد، حسن تعابیر، نوع اول فریب‌واژگانند. هنگامی که واژه‌های حسن تعبیری به خاطر احساسات و حساسیت‌های اشخاص درباره تابوهای فرهنگی و اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرند، به آن‌ها فریب‌واژه گفته نمی‌شود. برای مثال، هنگامی که شخصی کسی را از دست داده و غمگین و ناراحت است، ما به شخص داغدار این جمله را نمی‌گوییم:

(۴) متأسفم از این‌که پدرت مُرد.

بلکه از واژه حسن تعبیری درگذشت به جای واژه ناخوشایند مُرد استفاده می‌کنیم. زیرا، نه تنها احساسات طرف گفتگو را خدشه‌دار نمی‌کند، بلکه می‌توانیم احساسات خود را نسبت به شخص داغدار ابراز کنیم مانند:

(۵) همه به خاطر پرپرشدن دخترها گریه می‌کردند. (حسن تعبیر استعاری)

اما، هنگامی که حسن تعابیر برای انحراف یا فریب دیگران مورد استفاده قرار می‌گیرد، تبدیل به فریب‌واژه می‌شود.

کاتامبا (۲۰۰۵) نیز معتقد است که نوع خاصی از حسن تعبیر وجود دارد که باعث

1- Jargon

2- Gobbledygook or bureaucratese

3- Inflated language

انحراف شیوه تفکر می‌گردد که به آن فریب‌واژه می‌گویند (۱۳۰). بنابراین، زبان با استفاده از این نوع از حسن تعابیر، تفکری را آشکار نمی‌سازد و واقعیت را نشان نمی‌دهد، بلکه هر دوی آن‌ها را پنهان می‌گرداند. برای مثال، هنگامی که افغانستان در دهه ۸۰، تحت اشغال شوروی بود، از دید آمریکا، افغان‌ها Freedom Fighters^۱ تلقی می‌شدند، اما در اواخر دهه ۹۰، ترکیب Freedom Fighters به Terrorists^۲ تبدیل شد. دی رویج (۲۰۰۲) نیز، چند مثال از گفتارهای سیاسی دولت اسرائیل در برابر مردم فلسطین بیان می‌کند. مسئولان تبلیغات سیاسی اسرائیل، رفتارهای دولت اسرائیل در دوره‌های مختلف در برابر مردم بی‌دفاع فلسطین را این‌گونه توجیه می‌کنند: به جای عبارت War Criminal^۳ از عبارت حسن تعبیری Man of Peace^۴ و به جای Confiscation of Lands^۵ از واژه‌های حسن تعبیری Bilateral Negotiations^۶ استفاده می‌شود. Closed Military Area^۷ جهت جداسازی خبرنگاران و شاهدان و بیرون راندن آن‌ها از محل جنایات به کار می‌رود تا از این طریق، شاهد ویرانگری نیروهای اشغالگر نباشند. همچنین، Disputed Territories^۸ به جای Occupied Territories^۹ به کار می‌رود.

یکی دیگر از مثال‌ها مربوط به قتل عام یهودیانی (هولوکاست) است که در دوره حکومت نازی‌ها در آلمان رخ داده است. نازی‌ها برای اشاره به کشتارهای فجیع خود از عبارت Die Endlösung^۱ استفاده می‌کردند. گویی حکومت نازی، تمامی راه‌حل‌های ممکن را آزموده است و تمامی این راه‌حل‌ها راه‌گشا نبوده‌اند و آن‌ها مجبور شده‌اند «راه‌حل نهایی» را برای حل این مشکل به کار گیرند.

در یوگوسلاوی سابق، از عبارت صربی-کرواتی etničko išćenje^{۱۱} برای جنایات صورت گرفته علیه مسلمانان بوسنی و هرزگوین استفاده می‌شد. از سازوکارهای انجام این پاکسازی قومی می‌توان قتل، شکنجه، دستگیری و بازداشت خودسرانه، اعدام‌های فرا قضایی،

۱- مبارزان آزادی‌خواه

۲- تروریست

۳- جنایتکار جنگی

۴- مرد صلح

۵- اشغال اراضی

۶- مذاکرات دو جانبه

۷- منطقه نظامی بسته شده

۸- سرزمین‌های مورد مناقشه

۹- سرزمین‌های اشغال شده

۱۰- راه‌حل نهایی

۱۱- پاکسازی قومی

تجاوز و ضرب و جرح جنسی، و همچنین اخراج و اجرای حملات نظامی علیه غیرنظامیان را برشمرد.

این حسن تعبیر، همان مواردیند که اورول از آن‌ها به عنوان «دفاع از آنچه که غیرقابل دفاع است» یاد می‌کند (اورول، ۱۹۴۶، ۶). او معتقد است که در زبان سیاسی، به گستردگی از حسن تعبیر و واژه‌های مبهم استفاده می‌شود، اما این نوع حسن تعبیر، تأثیر تلخی بر صراحت و شفافیت زبانی بر جای نهاده‌اند و تبدیل به ابزاری جهت کنترل افکار عمومی شده‌اند. این نوع از حسن تعبیر محدود به گستره مسائل سیاسی نیستند، بلکه در دیگر گستره‌ها، مانند مباحث اقتصادی، پزشکی و علمی نیز به کار می‌روند؛ در گستره اقتصادی، واژه‌هایی مانند *man at liberty* و *undeveloped countries*^۱ به جای ترکیب *poor and backward countries*^۲ در زبان انگلیسی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در زبان فارسی نیز، در بافت زبانی و غیرزبانی خاص خود، برای کاستن از بار معنایی منفی مفاهیم، نمونه‌هایی همچون جمعیت فعال (بیکاران)، تعدیل نیرو (اخراج کارگران و کارکنان)، اقشار کم‌برخوردارتر (اقشار فقیر)، تعدیل قیمت‌ها (تورم/ گرانی) و اقشار آسیب‌پذیر (فقرا) مورد استفاده قرار می‌گیرند. همچنین، در محیط‌های اداری و غیراداری، واژه خوشایند هدیه، به جای رشوه به کار می‌رود. در زمینه مسائل پزشکی، *interruption of pregnancy*^۳ برای سقط عمدی جنین که به صورت انسان کاملی درآمده استفاده می‌شود (بدون تجویز پزشک و بدون این‌که تولد جنین خطری برای مادر و خود جنین داشته باشد). متخصصان و دانشمندان نیز، گاهی از این نوع حسن تعبیر استفاده می‌کنند. برای مثال، به جای ترکیب ناخوشایند *radiation release*^۴ از *energy release*^۵ استفاده می‌شود و از این طریق، ماهیت آسیب‌رسان آن را، هنگام استفاده در جهت مقاصد منفی خود، پنهان می‌کنند.

حسن تعبیر آگاهانه و غیرآگاهانه

راوسن، تمامی حسن تعبیر را به دو طبقه حسن تعبیر آگاهانه^۶ و

۱- مرد آزاد (بیکار)

۲- کشورهای توسعه نیافته

۳- کشورهای فقیر و عقب‌افتاده

۴- قطع حاملگی

۵- تابش اشعه

۶- تابش انرژی

غیرآگاهانه^۱ تقسیم می‌کند (راوسن، ۱۹۸۱، ۳). حسن تعابیر غیرآگاهانه واژه‌هایی‌اند که انگیزه اولیه ایجاد آن‌ها مشخص نیست و به علت آن‌که زمان زیادی از ساخت آن‌ها گذشته است، منشاء ساخت این حسن تعابیر را به سختی می‌توان به خاطر آورد. مثال‌هایی که در این مقوله به کار می‌رود، عبارتند از: استفاده از واژه (آرامستان)^۲ به جای واژه (قبرستان)^۳ و یا استفاده از واژه فرانسوی (توالت)^۴ که از واژه مرخم (لباس)^۵ گرفته شده است و همچنین کاربرد واژه (سینه‌بند)^۶ که از واژه^۷ (بازو، دست) به دست آمده است.

از طرف دیگر، حسن تعابیر آگاهانه مواردی‌اند که افراد مختلف، آگاهانه و به عمد برای فریب، دروغ و یا پنهان کردن کارهای نادرست خود به کار می‌برند. حسن تعابیر آگاهانه مقوله پیچیده‌تری را در برمی‌گیرند؛ این نوع از حسن تعابیر، باعث می‌شوند، افکار شنوندگان از واقعیات منحرف شود و توسط افراد و نهادهایی که می‌خواهند چیزی را از مردم پنهان کنند، به کار می‌رود. برای مثال، در موارد مربوط به مسائل نظامی، به جای واژه murder^۸ از واژه حسن تعبیری executive action^۹ استفاده می‌شود و یا به جای solitary confinement cells^{۱۰} از ترکیبات adjustment center^{۱۱}، quiet cells^{۱۲} و seclusion^{۱۳} استفاده می‌شود. این نوع از حسن تعابیر خطرناک‌اند و در واقع، در آن‌ها نوعی ابهام وجود دارد که برای دروغ گفتن به جامعه به کار می‌روند. راوسن معتقد است: «همان‌طور که مجموعه حسن تعابیری که درباره یک اصطلاح و یا یک موضوع خاص ایجاد می‌شود نشان دهنده قدرت تابوهای خاصی است، گردآمدن مجموعه غیرمعمولی حسن تعابیر درباره یک «نهاد»، نشان دهنده فساد درونی آن است (راوسن، ۱۹۸۱، ۶). راوسن، حسن تعابیری را که درباره نهادهایی مانند CIA^{۱۴} و FBI^{۱۵}

-
- 1- Unconscious euphemisms
 - 2- Cemetery
 - 3- Graveyard
 - 4- Toilet
 - 5- Toile
 - 6- Brassiere
 - 7- Bras

- ۸- قتل
- ۹- عملیات اجرایی
- ۱۰- سلول‌های انفرادی
- ۱۱- مرکز سازگاری
- ۱۲- سلول‌های آرام
- ۱۳- محل خلوت
- ۱۴- سازمان اطلاعات و جاسوسی آمریکا
- ۱۵- اداره آگاهی فدرال

است، مورد توجه قرار می‌دهد. برای مثال، ترکیب Defense Department^۱ برای اشاره به «نهادی» به کار می‌رود، که آغازگر جنگ‌های مختلفی بوده است.

از شیوه ساخت چنین تعبیری می‌توان کم‌گفت^۲ و انتزاعی‌سازی^۳ را نام برد. از آنجا که واژه‌های حسن تعبیری، واژه‌های خوشایند و غیرمستقیم‌اند، به نظر می‌رسد که معنای واقعی آن‌ها همواره ناخوشایندتر از معنای ظاهریشان است. اما این مورد، همواره برای افراد غیرمتخصص واضح نیست، به خصوص، در ساختارهایی که قسمتی از حقیقت را نشان می‌دهند، در حالی که مقداری از خشونت و وحشت موجود را پنهان می‌کنند، مانند:

collateral damage (civilian damage), active defense (attack)

که به ترتیب به معنای، خسارت جانبی (کشتار غیرنظامیان) و دفاع فعالانه (حمله) اند. همچنین، به جای واژه lover (در اینجا «فاسق») از واژه‌های partner^۴ و companion^۵ استفاده می‌شود. به عقیده راوسن: «این شیوه ممکن است معنای حقیقی مورد نظر را به طور کامل پنهان سازد و در نتیجه، حسن تعبیرشناسان^۶ بایستی برای یافتن معانی حقیقی، راهنمایی‌های لازم را انجام دهند» (راوسن، ۱۹۸۱، ۱۰). این راهنمایی‌ها باعث می‌گردد که حتی افراد غیرکارشناس نیز معنای اصلی را درک کنند. برای مثال، حسن تعبیرشناسان می‌دانند که ترکیبات constant companion^۷، close personal friendship^۸، که در بافت زبانی و غیرزبانی خاص خود به عنوان واژه‌های حسن تعبیری به جای واژه adultery^۹ به کار می‌روند، نوعی کم‌گفت محسوب می‌شوند و سعی در مشروعیت‌بخشی به این عمل را دارند و حسن تعبیرشناسان این معنای پنهان را کشف و به غیرکارشناسان اعلام می‌کنند.

از طرف دیگر، قدرت معنایی واژه‌های ناخوشایند ممکن است با انتزاعی کردن آن مفهوم، کم‌رنگ‌تر و یا حتی حذف گردد. در واقع، در این حالت، مفهوم واژه مبهم بیان می‌شود. این شیوه، بار منفی کلمات ناخوشایند را به طور چشمگیری کاهش می‌دهد و آن را پنهان می‌سازد،

۱- وزارت دفاع (نه جنگ)

2- Understatement

3- Abstraction

۴- شریک

۵- دوست

6- Euphemists

۷- دوستی مداوم

۸- دوستی خصوصی نزدیک

۹- زناي مرد و زن همسر دار (زناي محصنه)

برای مثال، کلماتی کلی مانند 'it, problem, situation' و 'thing' ممکن است به هر چیزی که در جهان خارج موجود است، ارجاع داده شود. این حالت، نوعی کلی‌گرایی را ایجاد می‌کند. برای نمونه، واژه 'thing' در مواردی باعث ایجاد معنای حسن تعبیری می‌شود: economic thing (slum, recession, depression) (قضیه اقتصادی به ترتیب به جای فقر، رکود و بحران به کار رفته است). همچنین، 'Watergate thing' ترکیبی است که به وسیله خود نیکسون، رئیس‌جمهور آمریکا، درباره «رسوایی واترگیت» به کار برده شد. جنبه تاریک این گونه کلی‌سازی و در واقع انتزاعی‌سازی این است که به طور ذاتی دارای ابهام است و مرز مشخصی ندارد.

رابطه حسن تعبیر و زبان

پیش از جمع‌بندی و ارائه نتایج این پژوهش، در این بخش لازم است که درباره رابطه حسن تعبیر و زبان، نکاتی مطرح شود. بنابر دیدگاه دیوید لمان، شاعر آمریکایی، تمامی حسن تعابیر، هدف یکسانی را دنبال می‌کنند: پنهان‌کاری، انکار و نفی و مبهم کردن معنای مورد نظر و مغشوش کردن ذهن مخاطبان (لمان، ۱۹۹۹، ۵۱). او گرچه نسبت به ورود حسن تعابیر نوع دوم به گفتمان‌های مختلف هشدار می‌دهد و معتقد است که برای خود زبان و آزادی انسان خطرناک‌اند، اما از طرف دیگر، معتقد است هنگامی که حسن تعابیر محدود به زمینه‌های کلاسیک مانند مسائل جنسی، مرگ و غیره می‌شوند، چیزی نیستند جز دروغ‌ها^۴ و فریب‌های مصلحت‌آمیز.

اما از دیدگاه نگارندگان این سطور، به نظر می‌رسد بین حسن تعابیری که برای حفظ نزاکت اجتماعی و آسیب نرساندن به احساسات و عواطف افراد جامعه به کار می‌روند و حسن تعابیری که برای فریب افکار عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرند، تفاوت‌هایی وجود دارد. در طول زندگی انسان‌ها موقعیت‌های خاصی وجود دارند که با توجه به آن‌ها، عدم انتخاب واژه‌های مناسب (حسن تعابیر)، ظالمانه خواهد بود. برای مثال، اشخاصی که دچار ناهنجاری‌ها و ناتوانی‌هایی جسمی و ذهنی مادرزادیند را نمی‌توان با واژه‌هایی مانند کور (نابینا، روشندل)،

۱- مشکل

۲- موقعیت

۳- چیز

شل و افلیج (معلول، از کار افتاده)، عقب‌مانده و کودن (کم‌توان ذهنی) یا عقیم (نابارور)، مورد خطاب قرار داد. از طرف دیگر، بعید به نظر می‌رسد مخاطبان از حسن تعبیری مانند نابینا و ناشنوا و نابارور، مفاهیم دیگری به جز نقص‌های جسمی مطرح شده در هر یک از این حسن تعبیر، برداشت دیگری داشته باشند، به همین دلیل به نظر نمی‌رسد که دروغ و فریبی در این موارد وجود داشته باشد. همچنین، استفاده از واژه‌های ناخوشایندی که در بالا ذکر شده است گاهی، لطمات جسمی و روحی جبران‌ناپذیری را بر این افراد و بستگان آن‌ها وارد می‌کند. برای مثال، در مقابل مادری که به علت از دست دادن فرزند خود در سانحه رانندگی دچار شوک روحی شده است و به راستی رنج می‌برد، نمی‌توان از واژه‌های حسن تعبیری استفاده نکرد. البته تحلیل و تبیین دلایل تأثیرات منفی این واژه‌های ناخوشایند، می‌تواند مورد توجه پژوهشگران در گستره روان‌شناسی زبان قرار گیرد.

افزون بر این، لمان در ادامه مقاله خود به مطرح کردن دیدگاه برخی از پژوهشگرانی که در گستره بنیان‌فکنی^۱ فعالیت می‌کنند، می‌پردازد. آن‌ها معتقدند که «افراد جامعه به خاطر واژگان زبان، سزاوار سرزنش نیستند، زیرا ما مسئول آن نیستیم، بلکه این خود زبان است که «کارخانه دروغ‌سازی» است» (لمان، ۱۹۹۹، ۵۱). بنابراین، آن‌ها معتقدند که کاربران زبان مسئول استفاده از حسن تعبیر نوع دوم نیستند و هیچ انتقادی متوجه کاربران نیست. اما اگر این مطلب را بپذیریم که مردم برای بیان اندیشه‌های خود از زبان استفاده می‌کنند و انتقال اندیشه از رهگذر خود زبان میسر می‌شود، با توجه به حکم این تحلیلگران (زبان کارخانه دروغ‌سازی است)، پرسش‌هایی که مطرح می‌شود این است که آیا ما بایستی خود جمله «زبان کارخانه دروغ‌سازی است» را دروغ بینگاریم یا نه؟ و پرسش دوم اینکه آنها برای انتقال اندیشه خود در این حکم از چه زبانی استفاده کرده‌اند؟ از طرف دیگر، به نظر نمی‌رسد که این پژوهشگران مدعی باشند که برای انتقال تفکراتی از این دست، مجهز به زبانی دیگرند که ما خاکیان فانی از آن بی‌بهره‌ایم.

لاتز معتقد است: «زبان مهم‌ترین ابزار است که در اختیار انسان است و باعث توسعه جامعه و ساخت تمدن انسانی ما گردیده است. اما مانند هر ابزاری، می‌توان از زبان نیز سوء استفاده کرد» (لاتز، ۱۹۸۸، ۲۵). می‌توان از زبان، نه برای ساختن، بلکه برای تخریب استفاده

۱- deconstruction: معادل‌های دیگری نیز برای این اصطلاح در زبان فارسی ارائه شده است: بن‌فکنی، واسازی، ساختارشکنی و شالوده‌شکنی.

کرد و یا می‌توان به جای استفاده از زبان در برقراری ارتباط، از آن برای ایجاد ابهام و سردرگمی در بین مخاطبان بهره برد. همچنین، می‌توان از آن به جای هدایت و راهنمایی کردن افراد جامعه، به عنوان ابزاری در جهت انحراف افکار عمومی استفاده کرد. بنابراین، زبان مقصر نیست، بلکه این کاربران زبانند که از این ابزار برای رسیدن به مقاصد منفی خود سوء استفاده می‌کنند. در پایان این بخش، گفته‌ای از چامسکی نقل می‌شود که می‌تواند دیدگاه نویسندگان این مقاله را به بهترین نحو بیان کند:

... من فکر می‌کنم، اشتیرونر^۱ کاربرد زبان را با خود زبان اشتباه گرفته است. گفته‌های اشتیرونر مثل این می‌ماند که ما بگوییم: شما باید خود را از شر چکش خلاص کنید، زیرا یک شکنجه‌گر از چکش استفاده می‌کند. درست است که چکش می‌تواند توسط شکنجه‌گر استفاده شود، اما همین چکش می‌تواند برای ساختن خانه نیز به کار رود. کاربرد چکش آن چیزی است که ما باید به آن توجه کنیم، اما، زبان نیز می‌تواند برای سرکوب کردن و یا در جهت آزادی‌بخشی به کار رود و یا باعث انحراف افکار عمومی شود. شما نمی‌توانید بگویید که ما مجبوریم خود را از شر دست‌ها خلاص کنیم، زیرا دست‌ها برای سرکوب مردم به کار می‌روند، اما باید گفت که در سرکوب مردم، دست‌ها مقصر نیستند (چامسکی، ۲۰۰۳، ۱).

نتیجه

مقاله حاضر، تلاشی در توصیف و تحلیل جنبه‌های مختلف حسن تعابیر بود. در این پژوهش، به طور مشخص، کارکردهای حسن تعابیر را بررسی کردیم و در نهایت استدلال شد که حسن تعابیر به لحاظ کاربردشناختی دارای دو نوع متمایزند. حسن تعبیر نوع اول (حسن تعبیر رایج) پدیده‌ای گفتمانی است که برای تقویت و افزایش نزاکت اجتماعی، حفظ خود-انگاره شرکت‌کنندگان در مکالمه و تسهیل روابط بین‌فردی به کار می‌رود. این حسن تعابیر تنش‌های بالقوه‌ای را که در کنش‌های کلامی معین به وجود می‌آید، کاهش می‌دهند و هدف مشترکی را دنبال می‌کنند و آن سازگاری اجتماعی در ارتباطات کلامی است. بنابراین، فرایند حسن تعبیرسازی نوع اول، نقش مهمی در مدیریت نزاکت و حفظ وجهه اجتماعی ایفا می‌کند و شیوه‌ای مؤثر در کاهش بار معنایی ناخوشایند مفاهیمی است که به طور سستی به عنوان ممنوعیت زبانی شناخته می‌شوند.

اما با استفاده از حسن تعبیر نوع دوم که در این پژوهش تحت عنوان حسن تعبیر ناپسند مطرح شد، بعضی رفتارهای ننگین، زیبا جلوه داده می‌شود و نهادهای مختلف با این کار، خود را از متهم شدن در برابر افکار عمومی جامعه تبرئه می‌کنند. در این حالت، حسن تعبیر تبدیل به فریب‌واژه می‌شود و واقعیت‌های موجود در جامعه را پنهان می‌سازد و باعث عدم دسترسی صحیح به اطلاعات و اخبار می‌شود. سخن آخر این‌که، باید هنگام خواندن متون و شنیدن گفتمان‌های مختلف، درباره اهداف بالقوه آن‌ها که در قالب حسن تعبیر نوع دوم عرضه می‌شوند، با آگاهی بیشتری برخورد کرد. به خصوص، این آگاهی در هنگام مواجهه با اخبار رسانه‌ها که نقش مهمی در جهت‌دهی به افکار عمومی ایفا می‌کنند ضروری است.

Bibliography

- Allan, K. & Burridge, K. (1991). *Euphemism and Dysphemism: Language Used as Shield and Weapon*. New York: Oxford University Press.
- . (2006). *Forbidden Words: Taboo and the Censoring of Language*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Al-Qadi, N. (2009). *A Sociolinguistic Comparison of Euphemisms in English and Arabic*. J. King Saud University, 21, 13-22.
- Anvari, H. et al. (2002/1381). *Fahange Bozorge Sokhan* (Sokhan Comprehensive Dictionary). Tehran: Sokhan Publications.
- Badakhshan, E. & Mousavi, S. (2013/1392). *Barrasiye Zabanshenakhtiyeh Behgouei dar Zabane Farsi*. (A Linguistic Analysis of Euphemism in Persian). Available Online at: <http://www.cll.journals.modares.ac.ir>.
- Byati, L. (2011/1389). *Barrasiye Sakhtare Zabaniye Hosne ta'bir dar Farsi* (Analysis of Linguistic Construction of Euphemism in Persian). M.A. Thesis: Islamic Azad University Tehran Branch.
- Casas Gomez, M. (2009). Towards a new approach to the linguistic definition of euphemism. *Language Sciences*, 31, 725-739.
- Chomsky, N. (1992). *What Uncle Sam really wants*. Berkeley: Odonian Press.
- . (2003). *The Dominion and the Intellectuals*. Berkeley: Chomsky.info.
- Crespo Fernández, E. (2006). The Language of Death: Euphemism and Conceptual Metaphorization in Victorian Obituaries. *SKY Journal of Linguistics*, 19, 101-30.
- De Rooij, P. (2002). *Glossary of Occupation*. Available Online at: <http://www.counterpunch.org/2002/09/12/glossary-of-occupation>

- Dominguez, P. J. (2005). Some These on Euphemisms and Dysphemism. *Studia Anglica Resoviensia*, 25, 9-16.
- Fan, Z. (2006). The Mechanism of Euphemism: A Cognitive Linguistic Interpretation. *US-China Foreign Language*, 4(7).
- Gradecak-Erdeljic, T. & Milic, G. (2011). *Metonymy at the Crossroads: A Case of Euphemisms and Dysphemisms*. In: Beczes, Reka, Antonio Barcelona and Francisco Ruize de Mendez (eds.), *Defining Metonymy in Cognitive Linguistics: Towards a Consensus View*. Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins. 147-66.
- Haddad, S. (2009). Euphemising Death. *Damascus University Journal*, 25(1+2), 41-59.
- Holder, R.W. (1994). *How to Say What You Mean: A Dictionary of Euphemisms*. Third Edition. Oxford: Oxford University Press.
- Huang, Y. (2005). A Brief Study of the Origin, Forms and Changes of English Euphemisms. *US-China Foreign Language*, 3(9).
- Izanlou, H. & Gholami, H. (2012). *Death Euphemism and Dysphemism in Persian Language*. *Young Scientist*. No8 (43), 180-185.
- Kansu-Yetkiner, N. (2006). *Blood, Shame and Fear: Self-Presentation Strategies in Turkish Women's Talk about their Health and Sexuality*. Istanbul: Punto Press.
- Katamba, F. (2005). *English Words*. Taylor & Francis e-Library.
- Lehman, D. (1999). From euphemism to bloody lies. *The American Enterprise*, 10(3).
- Linfoot-Ham, K. (2005). The Linguistics of Euphemism: A Diachronic Study of Euphemism Formation. *Journal of Language and Linguistics*, 4(2), 227-263.
- Lutz, W. (1988). Doublespeak. *Public Relation Quarterly* 33. 25-30.
- McGlone, M. & Batchelor, J. A. (2003). Looking Out for Number One: Euphemisms and Face. *Journal of Communication*, 53, 251-264.
- Mirzasuzani, S. (2006/1385). Karborde Hosne ta'bir dar Tarjome (Euphemism in Translation). *Translation Study*, 4(14), 23-34.
- Orwell, G. (1946). Politics and the English Language .From http://www.orwell.ru/library/essays/politics/english/e_polit.
- Radden, G. & Kovecses, K. (2007). *Towards a Theory of Metonymy*. In: Vyvyan Evans, Benjamin K. Bergen and Jorg Zinken, eds., *The Cognitive Linguistics Reader*. London: Equinox.335-359.
- Rawson, H. (1981). *A Dictionary of Euphemisms and Other Doubletalk*. New York: Crown Publishers, Inc.
- Warren, B. (1992). What Euphemisms Tell Us About the Interpretation of Words. *Studia Linguistica*, 46(2), 128-172.